آینه

ایران

هشدار به جای روحانی

● **حسن بهشتی‌پور:** آمریکا و تعدادی از کشورهای اروپایی هنوز تصور می‌کنند می‌توانند از طریق تحریم سیاست‌های یکجانبه خودشان را به کشورها تحمیل کنند. آنها هنوز باور ندارند که سلاح تحریم یک سلاح بی‌اثر است و اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت آثار و نتایجی داشته باشد ولی همین آثار آنها را فریب داده است و تصور می‌کنند که می‌توانند از آن در میان‌مدت و بلندمدت هم استفاده کنند. غرب زمانی از این رویه دست برخواهد داشت که از این توهم بیرون بیاید و به واقعیت‌ها تن دهد. واقعیت اینکه می‌توان با راهکارهایی مانند برجام در مورد موضوعات مختلف به راه‌حل‌های مشترک رسید. راه‌حل‌هایی که نتیجه‌اش می‌تواند امنیت پایدار در منطقه و صحنه بین‌الملل باشد. ... تئوری چندجانبه‌گرایی مبتنی بر این فرض است که کشورها می‌توانند بر اساس منافع مشترک‌شان با هم همکاری کنند و در سایه این همکاری منافع بیشتری را به دست آورند. شاید این تئوری شعاری و آرمانی به نظر برسد. اما در باطن تمام شواهد نشان می‌دهد که بالاخره کشورها ناچارند این مسیر را انتخاب کنند و به جای رودررویی و تخاصم به سمت همکاری بروند.

آرمان

دولت مدیران جسور ندارد

● **غلامرضا انصاری، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت:** من معتقدم مهم‌ترین پاشنه‌آشیل مدیریتی در شرایط موجودنبودن شجاعت و جسارت در مدیران دولتی است. از این جهت دولت دوم آقای روحانی نیز به دلیل نداشتن یک روابط عمومی قوی و سخنگوی مسلط که بتواند ارتباط تنگاتنگ و جدی با اصحاب رسانه، صاحبان اندیشه و مردم عادی برقرار کند، نتوانسته پاسخ‌گوی مطالبات جامعه باشد. به‌نظرم دولت باید این دو معضل جدی را در انتصابات خود مدنظر قرار دهد و چالش‌های پیش روی خود را به صورت مرتب با مردم مطرح کند. آقای روحانی به عنوان منتخب مردم مورد وثوق جامعه بوده، اما باید تلاش کند موانع موجود را به صورت شفاف به جامعه منتقل کرده و درصدد برداشتن این موانع برآید. قطعا اگر این معضل حل شود بخش قابل توجهی از انتقاداتی که اصحاب اندیشه، فکر و کلیت جامعه نسبت به دولت دارند حل می‌شود و عیب‌های اساسی دولت نیز شفاف‌تر و مشخص‌تر قابل رصدکردن خواهد بود. اگر دولت بتواند نقاط ضعف خود را ترمیم و تقویت کند به یقین پایگاه اجتماعی آسیب‌دیده خود و اصلاح‌طلبانی را که برای عبور از شرایط سخت گذشته به آقای روحانی رأی داده بودند، راضی خواهد کرد. در غیر این‌صورت در انتخابات آینده در سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ دچار مشکل جدی خواهیم شد.

آفتاب

روحانی و اقدام صداوسیما

● **محمدصادق جوادی‌حصار:** شاید شوخی سرخه‌ای روحانی با همشهری‌هایش ایجاد نوعی الفت، همدلی و قرابت بود تا به نحوی به مخاطبان خود بگوید که من از جنس شما هستم. اما ایراد کار اینجاست که صداوسیما آن را پخش کرد. در حالی که تلویزیون می‌توانست از این قسمت بگذرد و شوخی رئیس‌جمهور را پخش نکند. اگر حتی پخش شوخی سرخه‌ای رئیس‌جمهور از تلویزیون عامدانه هم نباشد به نظر نوعی کج‌سلیقگی صداوسیما قلمداد می‌شود. زیرا این رسانه نباید به هیچ روی شوخی رئیس‌جمهور را بُلد و برجسته می‌کرد تا دستمایه طنز سایر رسانه‌های داخلی و حتی خارجی شود. شاید اگر صداوسیما و سایر رسانه‌ها از این اقدام پرهیز می‌کردند این شوخی رئیس‌جمهور با همشهری‌هایش اثر محلی خود را می‌گذاشت و در نهایت دستمایه تحرکات برخی از رسانه‌های ملی و بین‌المللی نمی‌شد.

اعتماد

اروپا با آمریکا نمی‌جنگد

● **محمدرضا بختیاری:** امروز اگر از وضعیت فعلی برجام خارج شویم حتی با این فرض که این طرف‌های مقابل بودند که به تعهدات خود عمل نکردند و اقدام ما مطابق پیش‌بینی‌های مربوطه در برجام بوده است، نباید تردید کرد که در نهایت ماییم که در برابر ابزارهای تبلیغاتی طرف‌های مقابل متهم درجه یک فسخ برجام شناخته می‌شویم و همه اعمال حقوقی بین‌المللی علیه ما به کار گرفته خواهد شد. اگر هم بخواهیم همچنان به باقی‌ماندن در برجام ادامه دهیم باید قبول کنیم که از سوی اروپا در چنین شرایطی آبی گرم نخواهد شد و نباید به جنگ زرگری بین آنها و آمریکا دل خوش کنیم. در نهایت منافع اروپا در هم‌جهت‌بودن و اشتراک با آمریکا تعریف شده و حاضر نخواهند شد به خاطر ما دست از آن بردارند. در عین حال همچنان با سیاسی‌کاری اروپا برای نگه‌داشتن ما در برجام و جلوگیری از نقض آن روبه‌رو خواهیم بود؛ بدون اینکه آنها خیری به ما برسانند. نگاه خوش‌بینانه این است که شرایط کنونی تا دو سال دیگر که ترامپ در کاخ سفید حضور دارد، ادامه خواهد یافت. به شرط اینکه او دوباره به عنوان رئیس‌جمهور در دور دوم انتخاب نشود؛ در غیر این صورت باید به فکر چاره دیگری بود.

politics@sharghdaily.ir

ریاض؛ میزبان فرافکنی منطقه‌ای

شرق: سال‌هاست ریاض و بستر نشست‌های شورای همکاری خلیج‌فارس به صدور بیانیه‌ها و ارائه راهبردهای ضدایرانی منتهی شده است. روز گذشته نیز ریاض بار دیگر میزبان نشست شورای همکاری خلیج‌فارس بود تا این ادعاها تکرار شود. اگرچه دوپارگی این شورا در این نشست پیش‌ازپیش خود را نشان داد؛ امیر قطر و پادشاه عمان در آن حضور نداشتند و حاضران دیگر نیز آنچنان که باید بر ساز ضدایرانی ننواختند.

اینها در حالی است که پادشاه سعودی جور دیگران را کشید و در سخنرانی افتتاحیه این نشست ادعاهایی علیه ایران مطرح کرد. به گزارش ایسنا به‌نقل از اسکای‌نیوز عربی، ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان یکشنبه در افتتاحیه سی‌ونهمین نشست شورای همکاری خلیج‌فارس، جمهوری اسلامی ایران را به تداوم به‌کارگیری سیاست‌های خصمانه و حمایت از تروریسم متهم کرد. او مدعی تداوم سیاست‌های خصمانه ایران و حمایت جمهوری اسلامی ایران از نیروهای افراطی و تروریستی در منطقه شد. ملک سلمان در ادامه با اشاره به اینکه تمام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس خواهان حفظ این شورا هستند، افزود: شورای همکاری خلیج (فارس) به دنبال تقویت ثبات و امنیت در کشورهای عربی است.

عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها

شیخ صباح الاحمد الجابرالصباح، امیر کویت نیز در این نشست خواستار ایجاد رابطه با ایران براساس معاهدات سازمان ملل به منظور ایجاد صلح و ثبات و امنیت در منطقه شد. به گزارش خبرگزاری رسمی کویت (کونا)، شیخ صباح گفت: بار دیگر تأکید می‌کنیم که روابطمان با جمهوری اسلامی ایران باید براساس قوانین و معاهدات سازمان ملل باشد که در رأس آنها عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، احترام به حاکمیت دیگر کشورها و احترام به اصل حسن‌هم‌جواری است تا همگی به خواسته خود یعنی ایجاد صلح ، ثبات و امنیت در منطقه برسیم. امیر کویت در ادامه سخنرانی خود به مسائل مهم منطقه مانند بحران یمن و سوریه و تشکیل دولت عراق پرداخت.

منطقه قدرتمند می‌خواهیم، نه سران قدرت‌پیشه

این در حالی است که یک روز قبل از نشست شورای همکاری خلیج‌فارس، تهران میزبان رؤسای مجالس پنج کشور همسایه بود. روز گذشته محمدجواد ظریف بدون اشاره به نشست کشورهای عربی منطقه، ضمن منتشرکردن بیانیه «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران در نشست رؤسای پارلمان‌های منطقه که در آن بر لزوم گفت‌وگو میان کشورها تأکید شده، در توییتر نوشت: «ما در منطقه خود سران قدرت‌پیشه بی‌شماری داشته‌ایم که فقط جنگ و بدبختی به بار آورده‌اند. آنچه نیاز داریم، یک منطقه قدرتمند است، نه سران قدرت‌پیشه». وی افزود: «از این رو، ما به گفت‌وگو، احترام به قوانین بین‌المللی، دگرپذیری، شبکه‌سازی امنیتی، همکاری اقتصادی و تماس‌های بیشتر مردم با مردم نیاز داریم».

صادق ملکی، کارشناس روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق»

سعودی کماکان پدرخوانده شورای همکاری است

کشوری را نمی‌توان از معادله منطقه حذف کرد

نشست شورای همکاری خلیج‌فارس روز گذشته در ریاض برگزار شد. این اولین نشست بعد از ماجرای قتل خاشقجی، روزنامه‌نگار عربستانی در کنسولگری عربستان در آنکاراست. اما این شورا به این موضوع که کشورهای مختلفی به آن واکنش نشان دادند، وارد نشد. چرا؟

توجه داشته باشیم اگرچه قتل خاشقجی به اعتبار ریاض در سطح بین‌المللی صدمه زد اما سعودی‌ها کماکان نقش پدرخوانده را در شورا داشته و با توجه به این موقعیت قتل خاشقجی برای حاضران در این نشست، موضوعیت چندانی ندارد.

یکی از اعضا گفته محور این نشست، ایران و فعالیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی است. چرا همیشه ایران موضوع نشست‌های شورای همکاری خلیج‌فارس است و مثلا عربستان نه؟

باید توجه داشت که یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری شورای همکاری خلیج‌فارس، مقابله با ایران و تخریب چهره کشورمان بوده است بنابراین با مدنظر قراردادن این موضوع پرداختن به ایران قابل درک می‌شود. در کنار این موضوع عربستان ظاهرا احساس می‌کند از ایران به‌خاطر یمن زخم خورده و دلیل اصلی ناکامی خود را سیاست‌های تهران می‌داند. در کنار این موضوع در یک نگاه کلی و با مدنظر قراردادن فرازونشیب‌های ایجادشده در روابط ایران با کشورهای مذکور، باید اذعان کرد که در چهار دهه گذشته سیاست‌های متقابل سلبی دو سوی خلیج‌فارس علیه یکدیگر ذهنیت مساعدی را برای عادی‌سازی روابط فراهم نکرده است. البته در ایجاد این فضا فارغ از سوءتفاهمات، در کنار برخی از سیاست‌های دو طرف، کشورهای فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا از عوامل مهم سبب‌ساز این روند بوده است. در پاسخ به این نکته که چرا عربستان موضوع این شورا نیست نیز باید گفت عربستان نقش رهبری را در این شورا دارد و مسائلی هم اگر باشد، معمولا آنها را درون‌خانوادگی قابل حل‌وفصل می‌دانند.

در بین اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس، اگر بخواهیم بشماریم، در شرایط فعلی -غیر از عمان که دوستی دیرینه با ایران دارد- کدام‌یک از این کشورها با ایران رابطه دوستی دارد و کدامشان مثل همیشه علیه ایران عمل می‌کنند؟ در حقیقت آیا به عدد انگشتان یک دست در بین اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس، دوست داریم؟

عکس: مهدی حسنی

از شش عضو شورای همکاری خلیج‌فارس حتما پنج عضو را نداریم، با این وجود از اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس در کنار عمان، کویت و قطر نیز خواستار تعامل با ایران هستند. حتی وزیر خارجه قطر اعلام کرده شورای همکاری خلیج‌فارس به روابط خوب با ایران نیاز دارد. در مورد جبهه مقابل ایران که شامل عربستان، بحرین و امارات است هم باید با به‌کارگیری دیپلماسی، روندی ایجاد کرد که فضای مقابله به فضای تعامل تغییر روند دهد. عبداللطیف الزیانی دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس در اظهارات خود با وجود نکات منفی، ایران را همسایه‌ای مهم عنوان کرده و خواهان برقراری همکاری سازنده با تهران شده است. واقعیت این است که خروج شورای همکاری خلیج‌فارس از فاز تقابل با ایران به عادی‌سازی و بهبود روابط میان تهران و ریاض امکان‌پذیر خواهد شد. تا زمانی که این روابط خصمانه باشد، نمی‌توان به بهبود روابط امیدوار بود. فرمول حرکت به روابط مناسب مشخص است؛ احترام متقابل و پذیرش منافع متقابل. نه عربستان و نه ایران هیچ‌یک از معادلات قابل حذف نیستند. سال‌هاست وهابیت و تشیع و سیاست‌های تحت تأثیر این دو نگاه مورد انتقاد و هجمه تهران و ریاض است اما تشیع و وهابیت دو ویژگی جداناشدنی ایران و عربستان است. با تخطئه‌نکردن و احترام به برایند فرهنگی و مذهبی می‌توان از میزان خصم کاسته و راه عادی‌سازی را هموار کرد. نگاهی به نقشه جغرافیا میزان تسلط ایران و عربستان را بر منطقه خلیج‌فارس روشن کرده و عدم حذف دیگری را نیز امری مبرهن نشان می‌دهد. باید بدانیم که تنها و تنها راه خروج منطقه از فضای تنش، پذیرش ظرفیت‌ها با قبول تمامی تفاوت‌هاست. اتحادیه اروپا از خاکستر جنگ‌های آلمان و فرانسه به‌پا خاست و تهران و ریاض نیز دیر یا زود باید به حل اختلافات روی آورده و با پذیرش دیگری راه را برای ایجاد منطقه‌ای قوی‌تر هموار کنند.

برای رسیدن به این هدف چه باید کرد؟

اولین گام تغییر ذهنیت‌های منفی به ذهنیت‌های مثبت است. اگر ذهنیت‌ها تغییر نکند حتی تغییر حاکمان نیز نمی‌تواند مبنایی برای حرکت ایجابی در روابط تهران و ریاض شود. برخی تحلیلگران اعتقاد دارند که ایران و عربستان از گذشته دور هم با هم رقیب بوده و مشکل داشته‌اند. بسیار خب. کدام کشورها در گذشته اختلاف نداشته‌اند. رهبران و سیاست‌مداران کشورها باید تاریخ را در عرصه سیاست برای پیوند به کار گیرند نه برای گسست. ایران و عربستان و مجموعه کشورهای منطقه نیاز به بازتعریف نگاه‌ها و سیاست‌های کلان خود دارند. به تنهایی از کشوری کاری ساخته نیست و کشوری را هم نمی‌توان از معادلات حذف کرد. تن‌دادن تهران و ریاض به توازن استراتژیک منطبق بر ظرفیت‌ها، می‌تواند رمز عبور از بحران و رسیدن به راه‌حل باشد. نباید یمن یا سوریه عامل تخلیه ظرفیت‌های استرتژیک کشورهای اسلامی شود. شکاف‌های استراتژیک را نباید به تنگناهایی منتهی کرد که برایند آن جنگ باشد. باید با پایان‌دادن به سیاست‌های سلبی و رویکرد به سیاست‌های ایجابی شرایطی را فراهم کرد که مردم منطقه سال‌هاست در آرزوی آن هستند. توجه داشته باشیم سیاست‌گذاری‌ها نه براساس خواسته‌ها بلکه براساس ظرفیت‌ها و توانایی‌ها قابلیت اجرائی دارند و دیر یا زود، ریاض و تهران بالاجبار تن به این واقعیت خواهند داد.

ماجرای بازداشت مدیر هوآوی ادامه دارد؛

دردسر ایرانی برای چین و آمریکا

روح‌اله‌نخعی: بازداشت ناگهانی مدیر ارشد مالی هوآوی، درست درحالی‌که رابطه چین و آمریکا در معرض تنش‌های حاصل از تقابل تجاری دو کشور است، با پوشش گسترده خبری و تحلیل رسانه‌های جهان همراه بود. منگ وان‌ژو، علاوه‌بر اینکه مدیر یکی از شرکت‌های بزرگ چینی است، فرزند رن ژنگ‌فی، بنیان‌گذار این شرکت و یکی از اعضای حلقه‌های اصلی مشاوران شی جینپینگ، رئیس‌جمهور چین است. بازداشت او درست هم‌زمان شده با آغاز توافق دو کشور بر آتش‌بس در جنگ تجاری چندماه اخیرشان و همین نگرانی‌های بسیاری را درباره سرنوشت روابط سیاسی و تجاری دو کشور و واکنش‌های احتمالی چین برانگیخته است. این نگرانی‌ها با ابهاماتی که برخی رسانه‌ها درباره روند تصمیم‌گیری برای این بازداشت داشتند، تشدید هم شد. گزارش‌ها حاکی است، جاستین ترودو بدون نقش‌آفرینی فعال در روند بازداشت، از آن باخبر بوده، اما ترامپ احتمالا شخصا خبر نداشته چه اتفاقی قرار است بیفتد، درحالی‌که جان بولتون، مشاور ارشد ترامپ، از این اتفاق مطلع بوده است. رویترز هم از منابع آگاه، بی‌خبری ترامپ را گزارش داد.

آخرین خبر این است که چین صراحتا به کانادا اعلام کرده یا فورا منگ را آزاد کند یا منتظر عواقب شدید بعدی باشد. رویترز این موضوع را گزارش می‌دهد و سی‌ان‌ان هم خبر می‌دهد که سفیر کانادا در چین هم احضار شده است تا به این تصمیم «غیرقانونی» و «خشن»، «شدیدا» اعتراض شود. رویترز گزارش می‌دهد که کانادا فعلا به چین اطمینان داده که منگ به وکیل دسترسی خواهد داشت و بر اهمیت روابط دو کشور تأکید کرده است. پولیتیکو می‌نویسد که کانادا در میانه ترامپ و چین گیر افتاده است. این رسانه می‌نویسد کانادا باید تصمیم بگیرد حاضر است کدام طرف را خشمگین کند.

بلومبرگ: جاسوسی هوآوی از نقض تحریم‌های ایران مهم‌تر است

در میان واکنش‌های اولیه، برخی رسانه‌ها هم هوآوی را به‌لحاظ امنیتی غیرقابل‌اعتماد توصیف کردند و برخی از این احتمال گفتند که محصولات این شرکت، برای جاسوسی و ارسال اطلاعات به چین استفاده خواهد شد. ایلای لیک در زمان بازداشت منگ در بلومبرگ نوشت که جاسوسی هوآوی، از نقض تحریم‌های ایران بسیار مهم‌تر است: «[آل] کاپون بابت اداره دنیای زیرزمینی شیکاگو هدف [تحقیقات] بود، اما نهایتا به‌خاطر فرار مالیاتی گیر افتاد. مقامات کانادا منگ را بابت آنچه به نظر نقض تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران می‌رسد بازداشت کرد. اینها اتهامات مهمی هستند، اما سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده دغدغه‌ای مهم‌تر دارند؛ اینکه بزرگ‌ترین شرکت فناوری ارتباطی چین، به دولت چین اجازه خواهد داد روی ارتباطات الکترونیک هر کسی که از فناوری هوآوی استفاده می‌کند، نظارت کند». گاردین از بررسی حضور هوآوی در ساختار ارتباطی بریتانیا توسط ام‌آی‌سیکس نوشت. دویچه‌وله هم گزارش داد که مسئول امور فناوری اتحادیه اروپا هم از ارتباطات احتمالی هوآوی با سرویس‌های امنیتی چین ابراز نگرانی کرده است.

بسیاری از رسانه‌ها؛ از رویترز گرفته تا رسانه‌های حوزه رایانه مثل CNet و Gizmodo، به خبر توقف خرید محصولات دو شرکت چینی هوآوی و زدتی‌ای توسط ژاپن پرداختند. برخی رسانه‌ها هم به مشکلات احتمالی این صف‌آرایی علیه هوآوی، در آینده تجاری این شرکت پرداختند. گاردین نوشت اگر اتهام نقض تحریم ایران ثابت شود، «ممکن است هوآوی را از بسیاری از بازارهای ارزشمند دنیا محروم کند». یو ونگ در مقاله فوربس از این گفت که این بازداشت «تهدیدی برای جاه‌طلبی‌های جهانی» این شرکت است، به‌خصوص در نتیجه افزایش دغدغه‌های امنیتی نسبت به این شرکت در میان متحدان آمریکا.

نیویورک‌تایمز: این بازداشت نشان داد ترامپ هیچ نقشه‌ای ندارد

اما ابعاد سیاسی و تبعات اقتصادی بازداشت این مدیر چینی، شاید بیش از دلایل اصلی اتفاق و سوابق هوآوی، به دغدغه رسانه‌ها تبدیل شده است. دیوید ا اندلمن در سی‌ان‌ان در تحلیل ماجرا، به هم‌زمانی شام آتش‌بس دو رئیس‌جمهور در بوئنوس‌آیرس با بازداشت منگ پرداخت و چنین تحلیل کرد که در بهترین حالت این اتفاق، بسیار «نابهنگام» و «بدموقع» بوده است و در بدترین حالت «شاید ممکن است موضوع به همین سادگی باشد که در این دولت پرآشوب، یک دست، هیچ خبر ندارد یا فقط حدس‌هایی می‌زند، درباره اینکه آن دست دیگر دارد چه‌کار می‌کند. شاید این مضطرب‌کننده‌ترین پاسخ باشد».

در میان رسانه‌های دیگر نیز این تحلیل به چشم می‌خورد که این تصمیم، حاصل هیچ راهبرد بزرگ‌تری در کاخ سفید نسبت به چین نیست و برخی حتی اصل وقوع این اتفاق را نشانه بی‌برنامگی دولت می‌دانند. لیندزی فورد، از مقامات سابق وزارت دفاع آمریکا و وندی اس کاتلر، از مقامات سابق بازرگانی این کشور، در نیویورک‌تایمز صراحتا می‌نویسند که این بازداشت نشان می‌دهد ترامپ هیچ نقشه‌ای ندارد و با تشدید تنش‌ها، ممکن است «ایالات متحده به موقعیت خودش در گفت‌وگوهای تجاری ضربه بزند. دولت اگر این‌طور نباشد، دولت باید پیامی بسیار واضح‌تر درباره بازداشت خانم منگ و جایگاه آن در اهداف گسترده‌تر آمریکا درباره چین داشته باشد». در این مقاله نیویورک‌تایمز به این سؤال هم پرداخته می‌شود که چطور مسئله‌ای که تا درخواست‌کردن از کانادا برای بازداشت یک مقام پیش رفته، در جلسه مستقیم بین دو کشور مطرح نشده است: «این حقیقت که مقامات آمریکایی اجازه دادند جلسه پیش برود، بدون اینکه این مسئله را مطرح کنند یا ظاهرا حتی به آقای ترامپ خبر دهند، پیام مبهم دیگری برای پکن می‌فرستد که آیا قرار است دولت، صرف‌نظر از اینکه چین با چه پیشنهادی پای میز مذاکره بیاید، به مانع‌تراشی ادامه دهد؟ یا آیا [این اتفاق] صرفا وضعیت تیمی را آشکار می‌کند که به شکل ناامیدکننده‌ای بین دو گروه با اهداف متناقض تقسیم شده است؟». این مقاله می‌گوید اگر چین به این نتیجه برسد که صرف‌نظر از اقداماتش با مجازات‌هایی از سوی آمریکا مواجه خواهد شد، انگیزه‌ای برای مصالحه و پذیرش نخواهد داشت.

واشنگتن‌پست: آمریکا اشتباه سیاسی کرد

واشنگتن‌پست می‌نویسد حتی اگر این شرکت تهدیدی برای امنیت ملی ایجاد کرده باشد و لازم باشد چین کنترل شود، این راه «احمقانه‌ای» برای این کار است. این رسانه هم معتقد است این تصمیم بدموقع بوده و آشکارکننده آشوب تیم ترامپ است. واشنگتن‌پست می‌گوید ادعاها علیه هوآوی و مقاماتش شاید درست باشد «اما به‌هرحال این اشتباه سیاسی زشتی است». این مقاله از مخفی‌کاری‌های لازم در برخی پرونده‌های قضائی می‌گوید و می‌نویسد هر اتهامی را لزوما به دادگاه نمی‌برند، به‌ویژه وقتی موضوع بین‌المللی باشد: «اگر آمریکا می‌خواهد به اوج‌گیری چین واکنش نشان دهد و نقش در حال تغییر ایالات متحده در نظام بین‌المللی را مدیریت کند، بعید است بتواند تاکتیک ابلهانه‌تری انتخاب کند». به نوشته واشنگتن‌پست، اقدام علیه هوآوی «براساس این فرض است که ایالات متحده می‌تواند به رقبای خارجی نحوه اداره کسب‌وکارشان را دیکته کند». واشنگتن‌پست به شرکت‌های دیگری مثل سامسونگ و اریکسون هم اشاره می‌کند که مدت‌هاست در ایران به فروش محصولات خود مشغول هستند.

بعد سیاسی نگرانی از واکنش‌های احتمالی چین، با احضار سفیر کانادا و تهدید این کشور به عواقب آن، تجسم آشکارتری یافته است، اما برخی رسانه‌ها از یک واکنش احتمالی دیگر چین ابراز نگرانی می‌کنند: مقابله‌به‌مثل. وال‌استریت‌ژورنال و رویترز از رسانه‌هایی هستند که گزارش می‌دهند شرکت‌های آمریکایی نگران سفرهای بین‌المللی آینده‌شان هستند. وال‌استریت‌ژورنال می‌نویسد بعضی دیپلمات‌ها و کارشناسان سیاسی معتقدند این بازداشت ماجرا را برای چین تقابلی‌تر و شخصی‌تر می‌کند و رویترز می‌نویسد شرکت‌های آمریکایی سنگاپور حتی بحثی دراین‌باره در یک جلسه پشت درهای بسته داشته‌اند. در این جلسه از کاهش سفرهای غیرضروری به چین و انتقال جلسات لازم به خارج از کشور بحث شده است. رسانه چینی «ساوث‌چاینامورنینگ‌پست» هم خبر می‌دهد که سیسکو، غول حوزه ارتباطات هشداری هم درباره برای کارکنانش ارسال کرده است.

خبر

چین سفیر آمریکا را احضار کرد

اسپوتنیک: وزارت خارجه چین، سفیر آمریکا در این کشور را احضار کرد. «لی یوچنگ»، معاون وزیر امور خارجه چین، سفیر آمریکا در چین را در اعتراض به دستگیری «وانژو منگ»، مدیر مالی شرکت هوآوی، فراخواند و مراتب اعتراض چین را در ارتباط با بازداشت این مدیر ارشد هوآوی به سفیر آمریکا اعلام کرد.

ادامه از صفحه اول

خشونت ممنوع، حتی شما دندان‌پزشک عزیز

۲۵ سال پیش، دکتر پل کاسیمو از استادان سرشناس دندان‌پزشکی در آمریکا و از نویسندگان کتاب‌های دانشگاهی دندان‌پزشکی کودکان در یادداشت سردبیری نشریه دندان‌پزشکی کودکان آمریکا نوشت باید پذیرفت زمان به‌کارگیری این روش، یعنی دست‌گذاشتن روی دهان، به‌سر آمده است. در این یادداشت که با عنوان «شاید آخرین یادداشت درباره به‌کارگیری دست‌گذاشتن روی دهان» منتشر شد، نویسنده در عباراتی نوشت: «دست‌گذاشتن روی دهان آهسته‌آهسته خواهد مرد، مرگی محتوم، روزی که نسل ما دندان‌پزشکانی که از این شیوه، درست یا غلط، استفاده می‌کردیم، بازنشسته شویم. در آن روز تنها ردپایی کم‌رنگ از آن در کتاب‌های مرجع دندان‌پزشکی و حقوق باقی خواهد ماند». پیش‌بینی این استاد دندان‌پزشکی سرانجام به وقوع پیوست. انجمن دندان‌پزشکی کودکان آمریکا ۱۵ سال بعد (در سال ۲۰۰۸) این روش را از کتابچه راهنمای خود حذف کرد. انجمن دندان‌پزشکی کودکان بریتانیا نیز با هشدار نسبت به خطرات به‌کارگیری این روش گفته است مواردی که استفاده از این روش قابل‌قبول است چنان غیرقابل تصور است که می‌توان گفت به‌کارگیری این روش دیگر پذیرفتنی نیست. پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهد این روش، حتی پیش از حذف نمادین آن، محبوبیت و پذیرش خود را میان دندان‌پزشکان و والدین در کشورهای مختلف دنیا از دست داده بود.این حساسیت‌ها به‌ویژه زمانی که پای کودکان در میان باشد، دوچندان می‌شود. جامعه دندان‌پزشکی ایران نیز موظف است همسو با عرف جهانی، با شکستن سکوت خود در مقابل حوادث و خطاهایی که پای همکاران‌شان در میان است، صداقت خود را در پایبندی به اصول حرفه‌ای اثبات کند. زمان آن فرارسیده است تا جامعه دندان‌پزشکی ایران همسو با دیگر کشورهای جهان استفاده از شیوه‌های تنبیهی و آزاردهنده برای مدیریت رفتاری یا مهار کودکان را در اولین گام برای دندان‌پزشکان عمومی که فرصت اندکی برای یادگیری رفتار با کودکان دارند، ممنوع کند. همچنین، در هماهنگی با دانشکده‌های دندان‌پزشکی، آموزش چنین روش‌هایی از برنامه آموزشی دانشجویان دندان‌پزشکی حذف شود.ضرورت ممنوعیت به‌کارگیری این روش‌ها در ایران از کشورهای غربی به مراتب بیشتر است. به دلیل نبودن نظارت کارآمد بر فعالیت حرفه‌های سلامت، ناکارآمدی قوانین حامی حقوق کودکان و پنهان‌بودن مسئله کودک‌آزاری مشروعیت‌بخشیدن به این روش‌ها حتی اگر در عمل در موارد اندکی استفاده شوند، آسیب‌های فراوان به دنبال خواهد داشت. همچنین، از آنجایی که هزینه درمان‌های دندان‌پزشکی در ایران در ازای اتمام درمان پرداخت می‌شود، این نگرانی وجود دارد تا دندان‌پزشکان استفاده از این روش‌های آزاردهنده را در اولویت کار خود قرار دهند. چراکه این روش‌ها به زمان کمتر و مهارت‌های ارتباطی محدود نیاز داشته و عموما ضریب موفقیت بالایی نیز دارند.امید است دندان‌پزشکی ایرانی خود را در جایگاهی فراتر از درمانگری در دهان ببیند.

*** استادیار سلامت جامعه دانشکده دندان‌پزشکی، دانشگاه بیرمنگام انگلستان**

به پاس حقوق بشر

۴. جهان به این باور رسیده که هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح تنها زمانی می‌تواند ریشه بدواند که عدالت بر مبنای کرامت و آزادی محقق شود. مردم از گرسنگی، فقر و ستم آزاد شوند و به رفاه و شکوفایی دست یابند، با راهنماقراردادن اعلامیه جهانی می‌توان در راستای تحقق کامل اهداف توسعه پایدار اقدام کرد، درعین‌حال که نظام هنجاری داخلی و موازین دینی و ملی خود را محترم بدانیم. دولت‌ها برای اجرای معیارهای بین‌المللی که با میل خود پذیرفته‌اند، باید واجد اراده سیاسی باشند. اهداف توسعه پایدار دامنه وسیعی از موضوعات را از جمله فقر، گرسنگی، سلامتی، آموزش‌وپرورش، تغییرات اقلیمی، برابری جنسیتی، آب، بهداشت، انرژی، محیط زیست و عدالت اجتماعی دربر می‌گیرد که بدون تضمین دولت‌ها چنین اهدافی ناکام خواهد بود.

۵-حقوق بشر علاوه بر اینکه مبنای سنجه مشروعیت دولت‌ها در عرصه داخلی است، یک ابزار برنده و اثربخش دیپلماسی است؛ مثلا در جنایت قتل خاشقجی استفاده بهنگام و حساب‌شده ترکیه یک اعتبار حقوق بشری برای این کشور به وجود آورد و در چشم جهانیان اعتمادافزایی کرد. شبیه قضیه اعدام شیخ نمر که ایران این فرصت طلایی را داشت که از آن برای تأکید بر اهمیت حقوق بشر در همه نقاط جهان بهره بگیرد، اما با اقدام عده‌ای در تعرض به سفارت عربستان، این ابزار دیپلماسی حقوق بشری از دست رفت. ظرفیت‌های ملی و دینی ایران آن‌قدر سترگ است که انتظار بیشتری از مسئولان، جامعه مدنی و افکار عمومی وجود داشته باشد.

۶. ایران عزیز باید با عزم و ابتکار و خلاقیت توأم با فرهنگ اسلامی و ایرانی نقش کنش‌مندانه‌تری ایفا کند. ایجاد نهاد ملی مستقل حقوق بشر و حمایت از کنشگران و جامعه مدنی فعال در تمامی عرصه‌های حقوق بشری ماند محیط زیست، صلح، حقوق کودک، شفافیت، مقابله با فساد و حکمرانی خوب یک ضرورت است.